

“جمهوری اسلامی ایران از برگزاری تظاهرات ۲۵ وحشت دارد!”

گفتگوی ایرج ادیبزاده از رادیو زمانه با مهرداد درویش پور ✕
درباره

چهارمین گردهمایی جمهوریخواهان دموکراتیک و لائیک ایران

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۱

چهارمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکراتیک و لائیک ایران در تالار کنفرانس شهرداری مالاکوف در حومه جنوب غربی پاریس در روزهای ۱۲ و ۱۳ فوریه ۲۰۱۱، شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ بهمن ماه تشکیل شد و گروهی از ایرانیان از کشورهای مختلف، که با این مسائل همفکر هستند، دوره گرد آمدند و درباره‌ی مسائل امروز ایران و سیاست‌های تازه صحبت کردند.

من از آقای مهرداد درویش‌پور استاد دانشگاه در سوئد که یکی از شرکت‌کنندگان در این گردهمایی هستند، درباره‌ی هدف‌های این گردهمایی می‌پرسم:

این چهارمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکراتیک و لائیک ایران است که برگزار می‌شود. از آنجا که سه ایده اصلی مسئله‌ی جمهوری، جدایی دین از دولت و استقرار مردم‌سالاری موضوع و هویت این جریان را تشکیل می‌دهد، از جمله پرسش‌ها در این گردهمایی این است که چه گونه این پروژه اجتماعی فراگیر شود. در عین حال به چه سیاست‌گذاری‌های جدیدی در برخورد به جنبش سبز، در برخورد به بحران هسته‌ای ایران، در برخورد به تحولاتی که پیش روی است و همچنین در همکاری با دیگر گروه‌ها و نیروهای جمهوریخواه، نیازمندیم. طبیعتاً بحث‌ها و گفت‌وگوهای گوناگونی جریان خواهد داشت با این انگیزه و برای آن که سعی کنیم در این شرایط سیاسی حضوری فعال و مؤثرتری داشته باشیم.

الان مهم‌ترین مسئله‌ای که مطرح است، راهپیمایی ۲۵ بهمن است که هم گروه‌های داخل و هم گروه‌های خارج آمادگی‌شان را برای راهپیمایی اعتراضی اعلام کرده‌اند. به‌ویژه این که تجربه‌ی جنبش‌های اخیر تونس و مصر را هم در پیش روی دارند. ابتدا درباره‌ی همین راهپیمایی اگر

ممکن است بفرمایید.

من شخصاً راهپیمایی ۲۵ بهمن را مثبت میدانم و فکر میکنم که باید به گونه‌ای گسترده جامعه ایرانی داخل و خارج از کشور در آن شرکت کند، با طرح شعارهای مستقل خود و نه ضرورتاً با شعارهایی که مورد نظر آقایان موسوی و کروبی است. در عین حال قطعنامه‌ای پیشنهاد شده است به گردهمایی در مورد همبستگی جمهوریخواهان با خیزش‌های دموکراتیک تونس و مصر. در آنجا اشاره شده است که جمهوری اسلامی ایران از برگزاری تظاهرات ۲۵ بهمن ماه وحشت دارد. گردهمایی باید این قطعنامه را امروز یا فردا مورد بررسی قرار دهد و با تصحیحاتی احتمالاً آن را منتشر خواهد کرد.

شما به‌عنوان استاد دانشگاه و یک فعال سیاسی که مسائل ایران را دنبال میکنید، فکر میکنید شعارهای اساسی باید چه باشد؟

من نظر شخصی‌ام را اینجا عنوان میکنم. انتخابات آزاد، تجدید نظر در قانون اساسی، جدایی دین از دولت، تأمین رفاه اجتماعی بخشی از شعارهای کلیدی است. یعنی اگر ما لغو ارگان‌های انتصابی را در دستور نداشته باشیم و یا در قانون اساسی تجدید نظر نکنیم، با این قانون اساسی هیچ تغییر جدی در جامعه صورت نمی‌گیرد. از این نظر من شخصاً فکر میکنم نیروهای سکولار و دموکراتیک که در جنبش سبز حضور دارند، قطعاً باید بر خواست‌های ساختارشکنانه‌ی خودشان فشاری کنند و همان طور که گفتم شعارهایی نظیر تجدید انتخابات، برگزاری انتخابات آزاد، تجدید نظر در قانون اساسی، جدایی دین از دولت و استقرار مردم‌سالاری مطالبات جدی مردم ایران است.



فکر میکنید شعارهایی که در جنبش سبز در راهپیمایی‌های مختلف از طرف مردم به‌ویژه داده شد، با آن چه که شما در این گردهمایی مطرح میکنید، چه قدر هماهنگی دارد؟

به‌هرحال یکی از شعارهای جدی که در جنبش سبز داده شد، شعار جمهوری ایرانی بود که سخت مورد نکوهش آقای موسوی قرار گرفت. ما طبیعتاً، به‌عنوان جمهوریخواهان دموکرات و لائیک، طرفدار استقرار جمهوری در ایران هستیم. جمهوری ایرانی در برابر شعار جمهوری اسلامی قرار دارد. یعنی به معنی جدایی دین از دولت است. وقتی می‌گویند جمهوری ایرانی، یعنی جمهوری غیردینی می‌خواهند. شعارهای گسترده‌ای هم علیه

ولی فقیه داده شده است. وقتی مردم این شعارها را می‌دهند و مظهر این نظام را در شعارهای همگانی‌شان زیر سؤال می‌برند، یعنی به ساختار موجود راضی نیستند و خواستار تجدید نظر هستند. بنابراین فکر می‌کنم شعارهایی نظیر برکناری ولایت فقیه، تجدید نظر در قانون اساسی و انتخابات آزاد و... مردم به ویژه انتخابات آزاد. را به صورت خیلی گسترده بیان می‌کنند. امروز حتی اصلاح‌طلبان هم شعار انتخابات آزاد را بیان می‌کنند. اما تفاوت نظر ما با آن‌ها در این است که ما معتقدیم یک انتخابات آزاد بدون تجدید نظر در قانون اساسی موجود میسر نیست، در حالی که اصلاح‌طلبان با التزام به قانون اساسی موجود که بر تبعیض استوار است بدنبال انتخابات آزاد هستند. بنابراین فکر می‌کنم گرایشی که ما از آن دفاع می‌کنیم در جامعه خیلی گسترده است، گرچه این گرایش با نگاه رهبران اصلاح‌طلب در خیلی از زمینه‌ها متفاوت است.

شما را یکی از تئوریسین‌های این جنبش جمهوری دموکراتیک و لائیک معرفی کرده‌اند. فکر می‌کنید وظیفه‌ی فعالان سیاسی در حال حاضر چیست، چه در داخل و چه در خارج؟

من اجازه می‌خواهم که خودم را به‌عنوان یکی از کوشندگان همراه این جنبش معرفی کنم. گرچه تا امروز در سه دوره عضو شورای هماهنگی جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک بودم. اما می‌خواهم براین تأکید کنم که آن وظیفه‌ی محوری که من شخصاً برای جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک قائل هستم، تلاش برای ایجاد یک قطب گسترده‌ی جمهوری‌خواه و نیروهای سکولار است. ما باید با ایجاد گسترده‌ترین طیفی که از جدایی دین از دولت دفاع می‌کند، بر دموکراسی پافشاری می‌کند، بتوانیم یک بدیل سومی در این دعوا بین اصلاح‌طلبان و بنیادگرایان ایجاد کنیم. این به این معنی نیست که ما هیچ نوع همسویی با اصلاح‌طلبان نداریم. بالاخره در این جنگی که علیه بنیادگرایان در جریان است، همسویی‌هایی بین ما و اصلاح‌طلبان وجود دارد. اما تأکید من این است که ما نمی‌توانیم خودمان را در چارچوب خواسته‌های اصلاح‌طلبان محدود کنیم. تجربه‌ی تونس و مصر نشان می‌دهد که اتفاقاً امروزه زمینه‌ی گرایش‌های ساختارشکنانه و فراتر رفتن از چارچوب نظام وجود دارد، گرچه باید بر مسالمت‌آمیز بودن مبارزات تأکید کرد.

اما سؤال کلیدی اینجاست: اگر جامعه‌ی گسترده‌ی جمهوری‌خواه یا نیروهای سکولار و دموکراتی که وجود دارند، همبستگی ملی نداشته باشند و بدیلی ایجاد نشود، آن موقع چه گونه ممکن است که مردم از

خواسته‌های اصلاح‌طلبان فراتر روند یا چه گونه ممکن است اپوزیسیون بتواند اثرگذار باشد؟ از این نظر به گمان من گسترده‌ترین همکاری در بین نیروهای سکولار و دموکرات و وظیفه‌ای است که جامعه جمهوریخواه پیش روی دارد که حول جمهوری، دموکراسی و جدایی دین از دولت گسترده‌ترین ائتلاف سیاسی را در سطح کشور، داخل و خارج، سازمان دهد.



همین داخل و خارج که گفتید، شما ارتباطاتی با فعالان داخل هم دارید؟

در میان روابطی که کمابیش با جنبش‌های گوناگون داریم، میتوان از جمله از جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش سندیکای کارگری - که به گمان من جامعه جمهوریخواه باید برای آن نیروی بیشتری بگذارد - نام برد. ارتباط با جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش‌های اجتماعی دیگر بیشتر است. در رابطه با جنبش سندیکای کارگری، پیشنهاد من به این گردهمایی این است که تأکید بر مسئله‌ی عدالت اجتماعی و نان برجسته شود. چون نارضایتی‌های اجتماعی در جامعه گسترده است و باید ما بتوانیم به آن پاسخ دهیم. ما اگر بتوانیم شعارهایی دهیم که اولاً کم هزینه باشد، ثانیاً گسترده‌ترین طیف مردم حول آن گردهم بیایند، موفق خواهیم بود. به نظر من این گونه شعارها بیشتر قدرت بسیج دارند. انتخابات آزاد و تجدید نظر در قانون اساسی به نظر من دو شعار محوری است و فکر می‌کنم امروز مسئله‌ی لغو ارگان‌های انتصابی یکی از کلیدی‌ترین خواسته‌ها است. وقتی این لغو را مطرح می‌کنید، از خود شخص ولی فقیه گرفته تا شورای نگهبان و دیگر ارگان‌های انتصابی زیر سؤال می‌روند و با تجدید نظر در قانون اساسی و انتخابات آزاد شاید بتوان شکل مسالمت‌آمیز گذار در جامعه را فراهم کرد. ارتباطات ما با داخل کشور به نظر من باید گسترده‌تر شود و در عین حال من براین باورم که جمهوریخواهان باید یک بدیل معتدل اجتماعی باشند که بتوانند ارتباط بهتری با داخل برقرار کنند و بتوانند زمینه‌ی پشتیبانی گسترده‌ای داشته باشند. معتدل بودن به معنای در چارچوب نظام تلاش کردن نیست، فراتر رفتن از خواسته‌های اصلاح‌طلبان است. بدون کلام خشونت، ما بر مسالمت جویی قطعاً باید تأکید بسیاری داشته باشیم.